





سرشناسه : شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۳۸ -
 عنوان و نام بیدآور : رهنما ولایت فقیه در آئینه پرسش / نویسنده حمیدرضا شاکرین.
 مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.
 شابک : 978-600-6543-19-2
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : ولایت فقیه -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
 شناسه افزوده : آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 رده بندی کنگره : BP/۲۲۲۳/۸ش ۹۲ ۱۳۹۱
 رده بندی دیویی : ۴۵/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۶۶۵۴



۸۱ → ولایت فقیه در آئینه پرسش

نویسنده: حمیدرضا شاکرین
 آستان قدس رضوی
 چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 نشانی: حرم مطهر امام‌رضا(ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اطلاع‌رسانی
 تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
 ویراستار: محمد مهدی باقری
 طراح جلد: علی بیات
 طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



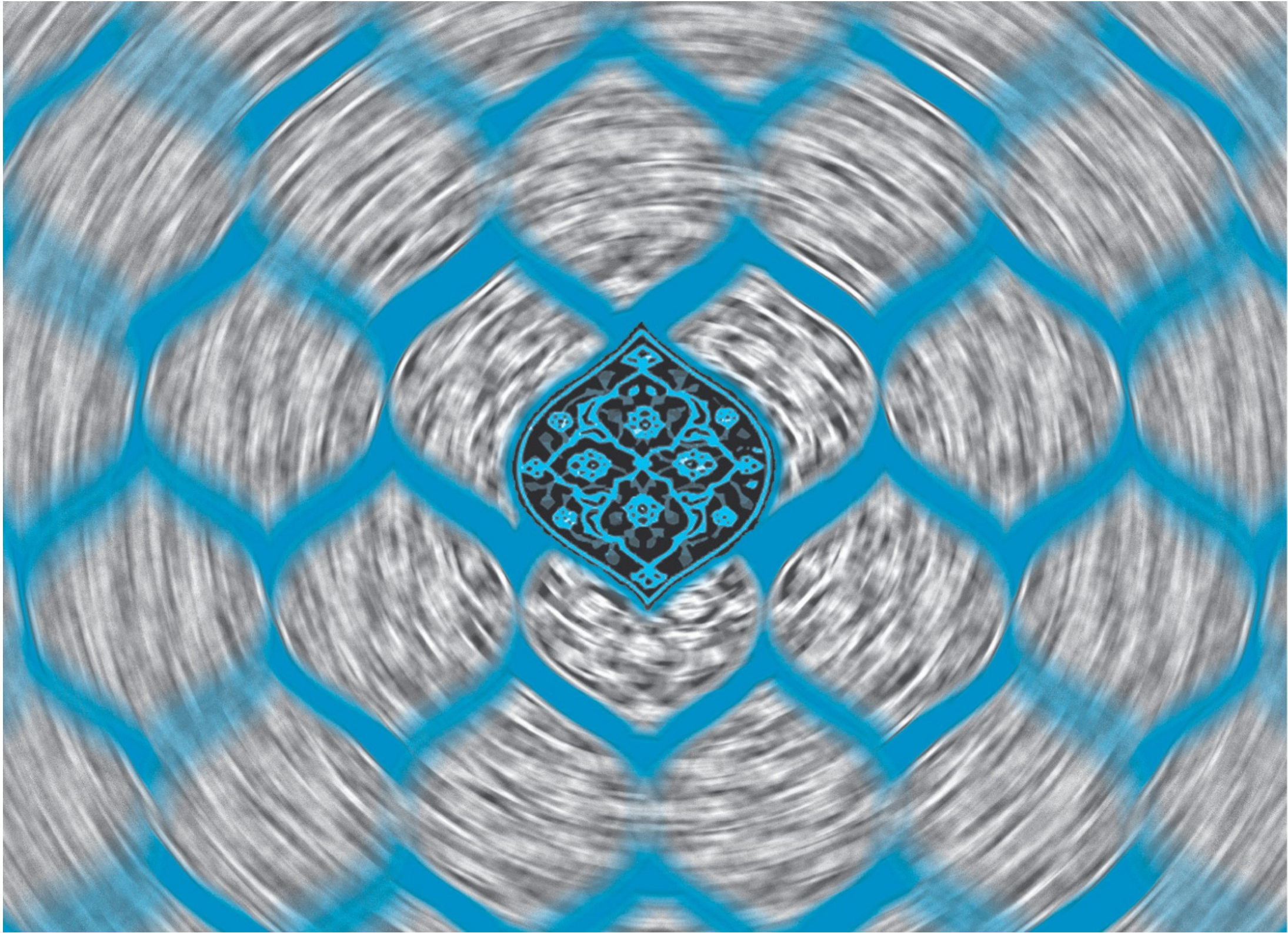
مَعْرِفَةُ



ولایت فقیه در آئینه پرسش

اگر دغدغه‌دار پرسش‌های زیر هستید، نوشته حاضر را بخوانید:

- معنای واژگانی و اصطلاحی ولایت فقیه چیست؟ مطلقه به چه معناست؟
- در زمانه غیبت معصوم، چه اصراری بر ولایت فقیه جامع شرایط است؟
- چه دلیل عقلی و نقلی قانع کننده‌ای برای اثبات ولایت فقیه وجود دارد؟
- آیا ولی فقیه نیز محدود است؟
- وجود ولایت فقیه در جامعه اسلامی، چه آثاری در پی دارد؟



درآمد

مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلْمَ وَ مَنْ عِلْمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ

هم سؤال از علم خیزد هم جواب همچنان که خار و گل از خاک و آب

انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به رهبری ولی فقیه، از جریان‌های فکری و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی اثرگذار دوران معاصر است و امید تشکیل نظامی با معادله و ساختاری نوین و مبتنی بر ارزش‌های عالی الهی را در روح و روان بشر سرخورده از ایدئولوژی‌ها و نظام‌های بشری و مادی، زنده کرده است. یکی از تأثیرهای مهم این جریان الهی، برانگیختن اندیشه‌ها در راستای شناخت ماهیت ولایت مطلقه فقیه، خاستگاه دینی و فلسفه عقلانی و ثمره‌ها و نتایج آن است.

دفتری که پیش رو دارید، تعدادی از پرسش‌های رایج این عرصه را با رعایت اختصار



بازمی‌کاود و خوانندگان جست‌وجوگر را به مطالعه آثار تفصیلی‌تر دعوت می‌کند. امید است این کوشش کوتاه‌قامت برای خوانندگان گرمی مفید واقع شود و مقبول درگاه ربوبی و عنایت آستان مقدس رضوی قرار گیرد.

۱. معنا و مفهوم ولایت فقیه



«فقیه» از ماده «فقه» به معنای فهم عمیق و آگاهی و دانایی^۱ برگرفته شده و به کسی گفته می‌شود که در شریعت اسلامی تخصص دارد و احکام الهی را از منابع دینی، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع، استنباط می‌کند.

«ولایت» معانی مختلفی دارد. ریشه لغوی آن، به معنای نزدیکی و اتصال و پیوند دو یا چند شیء است.^۲ یکی از معانی رایج اصطلاحی ولایت، عبارت است از: تصدی امور و اداره حکومت.^۳ در نگاه مقام معظم رهبری، در همه معانی ذکر شده برای ولایت، به نوعی این پیوند و نزدیکی بین دو معنای ولایت وجود دارد؛ مثلاً ولایت به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۴۲.

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غرایب القرآن، ص ۵۳۳.

۳. محمد جواد نوروزی، نظام سیاسی اسلام، ص ۱۸۷ و نک: آیت الله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت، اسراء، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳ تا ۱۲۵.



اتصال معنوی دارند و جداساختن ایشان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست.^۱ در نگاه ایشان، ولایت به معنای حاکمیت بر انسان‌های پارسا و مخالف با شهوت‌ها و انسان‌های عامل به نیکی‌هاست.^۲ منظور از «ولایت فقیه»، در اصطلاح رایج، تصدی امر و اداره حکومتی است که خداوند برای پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام تشریع کرده است. ولایت در زمان دسترس‌ناپذیری امام معصوم علیهم‌السلام، مانند عصر غیبت، بر عهده فقیه عادل و باتقوا و دارای کفایت لازم است. رهبر معظم انقلاب نیز ولایت فقیه را به معنای حاکمیت دین و تقوا^۳ یا حاکمیت معیارهای اسلامی بر مجموعه جامعه تعبیر می‌کنند و آن را سبب افتخار می‌دانند.^۴

۱. مقام معظم رهبری، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، عید غدیر، ۱۳۷۶.۰۲.۰۶.

۲. مقام معظم رهبری، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، عید غدیر، ۱۳۷۰.۰۴.۱۰.

۳. مقام معظم رهبری، پیام به مجلس خبرگان، ۱۳۶۹.۱۲.۱۰.

۴. مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ با مدیران نشریه‌های دانشجویی، ۱۳۷۷.۱۲.۰۴.



٢. فلسفه ولایت فقیه



هر جامعه انسانی از آن رو که مشتمل بر افراد گوناگون با نیازها، منافع، دلبستگی‌ها و سلیقه‌های مختلف است، به‌طور ضروری نیاز به حکومت دارد. نیاز به برنامه‌ریزی کلان برای پیشبرد امور و تنظیم قواعدی برای رفع مشاجره‌های ناشی از اصطکاک منافع و چالش میان افراد و اخلال در نظم و امنیت، مقوله‌هایی است که وجود نهادی مقتدر و معتبر را برای رسیدگی به این امور و برقراری نظم و امنیت ایجاب می‌کند. بنابراین، جامعه بدون حکومت یا دولتی که دارای اقتدار سیاسی لازم و قدرت برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و امرونی‌هی است، ناقص خواهد بود و دوام و بقای خویش را از دست خواهد داد.

اما اینکه در اسلام رهبری امت در عصر غیبت به فقیه جامع‌شرایط واگذار شده، از آن روست که رسالت و وظیفه حکومت، تطبیق امور مسلمانان با تعالیم شریعت است. امور جامعه و روابط آن باید با احکام و اصول و ارزش‌های دینی مطابق باشد و این نیازمند آن است که مدیر جامعه اسلامی، درعین برخورداری از توانایی‌های لازم در عرصه مدیریت،



آشناترین مردم به حکم خداوند عز و جل در این مسائل بوده و از فقاہت لازم در امور اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ؛** (ای مردم، سزاوارترین مردم به امارت و خلافت کسی است که بدان تواناتر و در آن به فرمان خدا داناتر باشد).^۱

از طرف دیگر، رهبر جامعه اسلامی علاوه بر اداره اجتماع، رسالت هدایت و تربیت دینی جامعه را نیز برعهده دارد. از این رو باید خود به زیور فضایل و اخلاق عالی انسانی و ادب اسلامی آراسته و از لغزش‌ها به دور باشد تا بتواند در مواقع مقتضی، دیگران را به راه کمال رهنمون کند و از آفت‌ها و آسیب‌های اخلاقی باز دارد. زمامداران و چهره‌های برجسته و شاخص هر جامعه، خواه‌ناخواه نقش الگو برای قشر وسیعی از جامعه پیدا کرده و منش و سیره و رفتارشان

۱. همان، خطبة ۱۷۳.



تأثیرهای جدی در الگوپذیری توده‌ها و بهنجار و یا نابهنجار شدن رفتار آنان دارد. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرمایند: من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره.^۱

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسند: «اینکه امام خمینی رحمه الله در سخن مشهور خود فرمودند "پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد"، برای آن است که اگر انسان بخواهد شجره طوبی بشود، نیازمند قانون الهی و دین خداست و دین خدا زمانی انسان را رشد می‌دهد که در جامعه تحقق یابد و برای تحقق آن در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام، باید یک فقیه اسلام‌شناس اسلام‌باور، زمام امور مسلمانان را در دست بگیرد تا هر آنچه می‌گوید و هر حکمی که صادر می‌کند، نخست خودش به آن عمل کند و سپس دیگران. این معنای ولایت فقیه است و بازگشت آن، چنان که مکرراً گفته شد به "ولایت



فقاہت و عدالت " می باشد و درنهایت، به ولایت دین و خدا بر می گردد.^۱

رهبر معظم انقلاب نیز بر آن اند که ولایت در اسلام ناشی از ارزش هایی همچون عدالت و تقواست که موجب مصونیت دارنده آن سمت می شود. این شرط سبب می شود حاکم کوچک ترین ظلمی انجام ندهد و در صورت ارتکاب کمترین ظلم، حاکم عزل شود. این روش که در آن، پارسا ترین انسان ها حکومت می کنند، عاقلانه ترین شیوه حکومت است که در صورت تفهیم مناسب، تمام عقلای جهان آن را تصدیق خواهند کرد. در این شیوه حکومتی، بیشترین ضمانت برای استیفای حقوق مردم همراه با بهترین شکل نظارت مردمی موجود است.^۲

۱. آیت الله جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، ص ۲۵۸.

۲. دیدار با مسئولان نظام در سال روز عید غدیر، ۱۳۷۰.۰۴.۱۰.



۳. دلائل اثبات ولایت فقیه



امام خمینی علیه السلام بر آن اند که مسئله ولایت فقیه به امری کاملاً بدیهی و به اموری تبدیل شود که تصور دقیق و درست موضوع، بی فاصله به تصدیق آن بینجامد. درعین حال عالمان دینی، از گذشته‌های دور، استدلال‌های متعدد عقلی و نقلی بر آن اقامه کرده‌اند. اکنون، به اختصار، پاره‌ای از این دلایل را با مراجعه به قرآن و روایت‌ها و نگاه عقلی مرور می‌کنیم:

۱.۳. ولایت فقیه از منظر قرآن

ده‌ها آیه قرآن خطوط کلی حکومت و ولایت در جامعه را نشان می‌دهد.^۱ البته طرح این مسائل در قرآن، گونه‌های مختلفی دارد و استنباط از آنها، بدون آشنایی با منطق فهم قرآن امکان‌پذیر نیست. درعین حال، یکی از روش‌ها برای اثبات ولایت فقیه از طریق قرآن،

۱. نک: تفسیر پیام قرآن، ج ۱۰ (قرآن مجید و حکومت اسلامی)؛ علی ذوعلم، نگاهی به مبانی قرآن ولایت فقیه؛ حمیدرضا شاکرین، حکومت دینی، ۲۵ تا ۳۵.



توجه به ماهیت حکومت اسلامی و وضعیت حاکم بر آن است. آنچه اکنون به اختصار می‌توان گفت این است که:

۱. قرآن مجید فقط حکومتی را برمی‌تابد که در آن، قانون و هنجارهای الهی و دینی ملاک عمل باشد. قرآن پشت‌پازندگان به این اصل را کافر و فاسق و ظالم خوانده و می‌فرماید:
الف. کسانی از کافران‌اند که به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری نکرده‌اند.^۱
ب. کسانی از ستمگران‌اند که به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری نکرده‌اند.^۲
ج. کسانی از فاسقان‌اند که به آنچه خدا نازل کرده، حکم نکنند.^۳
۲. مقتضای سرشت قانونی و الهی حکومت دینی این است که کسی در رأس آن قرار گیرد

۱. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾، مائده، ۴۴.

۲. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾، مائده، ۴۵.

۳. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾، مائده، ۴۷.



که علاوه بر دارابودن شروط عام لازم برای رهبری جامعه، از دو ویژگی دیگر نیز برخوردار باشد: الف. شناخت دقیق نظام حقوقی و احکام و هنجارهای الهی و توان کشف و استنباط آن‌ها از منابع و مصادر اصلی، در مواجهه با مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی (فقاہت). به بیان دیگر حاکم باید عالم به احکام اسلام باشد تا بتواند آن‌ها را اجرا کند. قرآن درباره شرط علم می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (= آیا کسی که به راه حق هدایت می‌کند، سزاوارتر است که از او پیروی شود یا کسی که راه نمی‌یابد؛ مگر آنکه راه برده شود. شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟)^۱

این علم را خداوند ﷻ به پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ داده است و در زمان غیبت، داناترین مردم به احکام، یعنی فقها، حاملان این علم‌اند. فقیه با تخصصی که سال‌ها در تحصیل آن



کوشش کرده است، می‌تواند احکام اسلام را از قرآن، سنت، عقل و اجماع به‌دست آورد؛ اما غیرفقیه این تخصص را ندارد و باید احکام اسلام را از فقیه بیاموزد.

ب. التزام و پایبندی به اسلام و احکام الهی (ایمان و عدالت). زیرا بدون این دو هیچ تضمینی برای اجرای احکام الهی نیست. از همین رو خداوند عَزَّوَجَلَّ ایمان را شرط لازم برای رهبری امت اعلام کرده و می‌فرماید: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (=خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سلطه نمی‌دهد)^۱ ﴿وَلَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ﴾ (=مؤمنان نباید کافران را به‌جای مؤمنان ولی خود بگیرند و هر کس چنین کند از لطف خدا بی‌بهره است).^۲

همچنین قرآن درباره شرط عدالت می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (=به

۱. نساء، ۱۴۱.

۲. آل‌عمران، ۲۸.



ستم‌پیشگان گرایش نیابید که آتش دوزخ به شما خواهد رسید.^۱ این تکیه و گرایش در روایت‌ها، به دوستی و اطاعت تفسیر شده است.^۲ در نتیجه، قرآن پیروی از ظالمان و قرارگرفتن آنان را در مَسند حکومت و رهبری منع کرده که همراه با اطاعت و فرمانبرداری است و عدالت را لازم دانسته است. از آنچه گفته آمد، روشن می‌شود که شروط حاکم در قرآن، تنها بر معصومان و فقیهان عادل و باتقوا منطبق می‌شود. به عبارت دیگر، این آیه‌ها بیانگر روح و محتوای اساسی ولایت فقیه است.

۲.۳. ولایت فقیه در روایت‌ها

براساس تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ولایت «عالم به احادیث و روایات» که حضرتشان آنان را

۱. هود، ۱۱۳.

۲. تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۳۳۸.



فقیه می‌نامیدند، باید بر جامعه تحقّق یابد و تخلف از آن، خیانت به اسلام و مسلمانان است: «کسی که کاری از مسلمانان به‌عهده گیرد، در صورتی که می‌داند فرد مناسب‌تری برای آن موضوع وجود دارد که به کتاب خدا و سنّت پیامبر داناتر است، به‌درستی که به خدا و رسول او و همه مسلمانان خیانت کرده است.»^۱

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام نیز به مسئله ولایت عالمان دینی اهمیت ویژه‌ای داده‌اند و بر نقش فقه و فقاہت در اداره و رهبری جامعه اسلامی تأکید کرده‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ای مردم، به‌درستی که شایسته‌ترین مردم به این امر (حکومت)، قوی‌ترین مردم و عالم‌ترین آنان به دستوره‌ای خداوند در امر حکومت است.»^۲ حضرت اباعبدالله علیه السلام

۱. من استعمل عاملاً من المسلمین و هو یعلم ان فیهم اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنّة نبیّه فقد خان الله و رسوله و جمیع المسلمین، علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۴۳.

۲. ایها الناس إنّ احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامر الله فیهِ، طبرسی، الاحتجاج، ص ۱۸۲؛ نیز: نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.



نیز فرمودند: «جریان امور و احکام باید به دست عالمان ربانی باشد که به احکام و حلال و حرام الهی پایبند و وفادارند.»^۱ در روایت دیگری آمده است: «عالمان حاکمان بر مردم اند.»^۲ روایت‌های متعدد دیگری نیز بر ولایت فقیه دلالت دارند که به لحاظ اختصار به این مقدار بسنده می‌شود.^۳

۳.۳. ولایت فقیه در نگاه عقل

از نظر عقلی، بهترین حکومت، حکومت معصومان علیهم‌السلام است؛ اما زمانی که مردم از وجود

۱. اَنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَ الْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْإِيمَانِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۵.

۲. العلماء حکام علی الناس، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۱.

۳. برای آگاهی بیشتر درباره دلایل روایی ولایت فقیه، نک: امام خمینی، ولایت فقیه، بحث ولایت فقیه به استناد اخبار، ص ۴۸ تا ۱۴۸.



رهبر معصوم محروم‌اند، عقل اصل تنزل تدریجی و حاکمیت اصلح را جاری می‌سازد. به عبارت دیگر، در نگاه عقل و خرد، هنگامی که مردم از مواهب حکومت معصوم علیه السلام محروم باشند، نباید به هر حکومتی تن دهند و چون به برترین‌ها دسترسی ندارند، نباید به طاغوت‌ها و حاکمان جاهل و تبه‌کار و فاقد صلاحیت، تن دهند؛ بلکه باید به دنبال حاکمی باشند که از نظر صفات علمی و اخلاقی نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین اشخاص به امامان معصوم علیهم السلام باشد.

از طرف دیگر کسی که از سایر مردم مناسب‌تر است، فقیه عادل زمان‌شناس و سیاست‌مدار و قادر به مدیریت کلان اجتماعی است. بنابراین او باید رهبری جامعه را عهده‌دار شود و حکومت را به سوی اهداف مطلوب سوق دهد. این مسئله در اصل ۱۰۹ قانون اساسی چنین بازتابیده است: «شرایط و صفات رهبر: ۱. صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه؛ ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.»



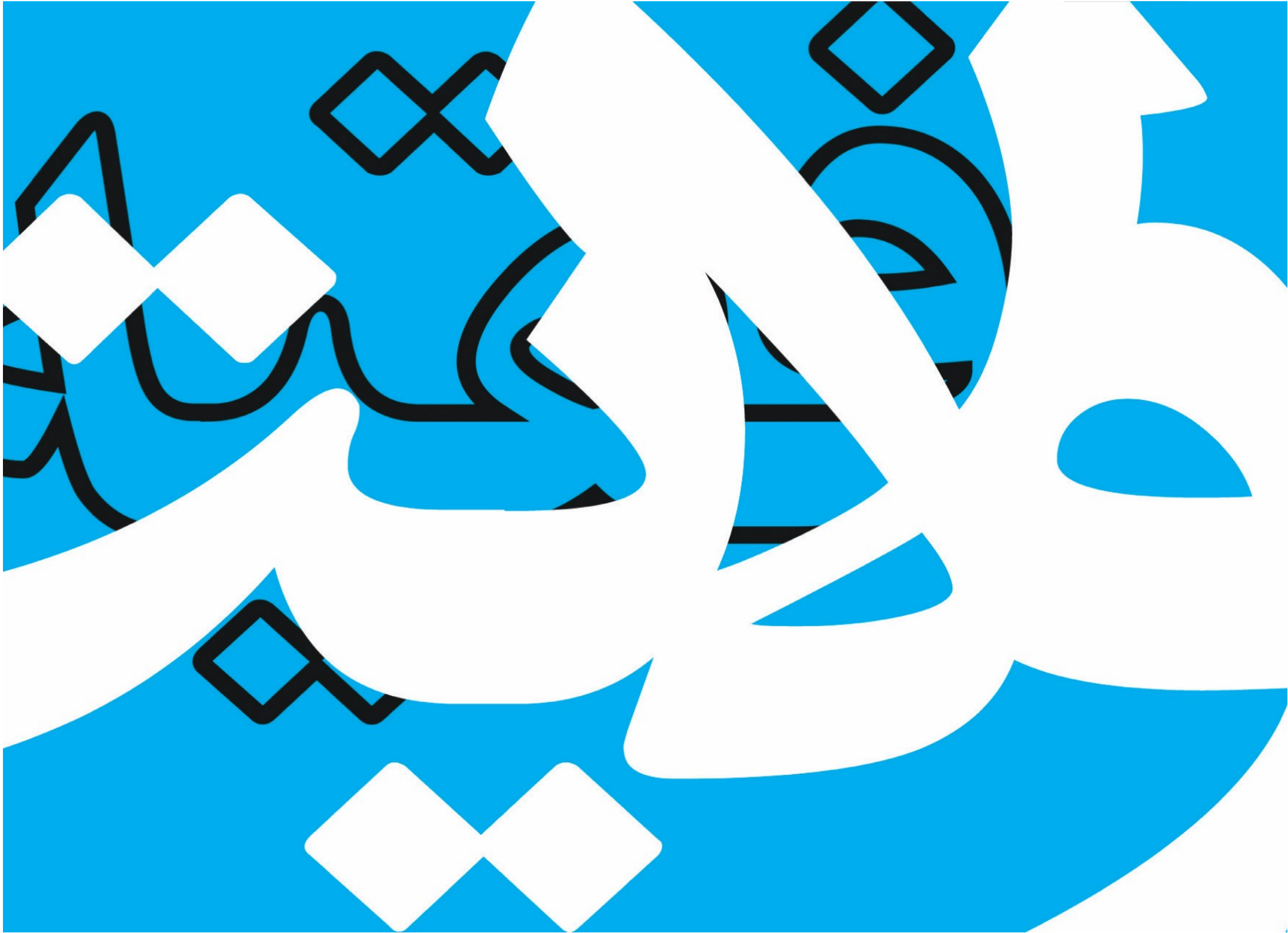
مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «در اسلام سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است که خالق و عالم به مصالح و مالک انسان‌هاست و هیچ انسانی حق ندارد اداره امور انسان‌های دیگر را به عهده بگیرد. خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می‌کند. کسی که ولایت را از طرف خداوند عهده‌دار می‌شود، باید پرتو و سایه‌ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد. لذا در جامعه و نظام اسلامی، عدالت، علم، دین و رحمت باید حاکم باشد. بهترین شکل ممکن، حکومت معصومان است و در صورتی که حاکمیت معصوم میسر نیست، باید دین و تقوا و عدالت بر مردم حکومت کند که از آن با عنوان ولایت فقیه یاد می‌شود؛ یعنی انسان دین‌شناسی که دارای ملکه عدالت و تقواست.»^۱ افزون بر آنچه گذشت، از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، کارآمدی هر حاکم و حکومتی

۱ مقام معظم رهبری، دیدار با مسئولان نظام در سال‌روز عید غدیر، ۱۳۶۹.۰۴.۲۰.



وابستگی جدی به ارزش‌های حاکم بر آن جامعه دارد: هر اندازه رهبری و نظام سیاسی سازگاری و هماهنگی بیشتری با ارزش‌های جامعه داشته باشد، از مقبولیت و اطاعت‌پذیری و کارآیی بیشتری برخوردار است. درمقابل، حکومت‌های بیگانه با ارزش‌های جامعه مقبولیت چندانی ندارند و غالباً با نافرمانی مدنی روبه‌رو شده و برای رسیدن به اهداف خود باید از بیشترین خشونت و هزینه‌ها استفاده کنند و کمترین کارآیی را به‌دست آورند.

از طرف دیگر، جامعه دینی دلبستگی نیرومندی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی دارد؛ پس در جامعه دینی، حکومت و رهبری دینی مقبولیت و کارآمدی بیشتری دارد و ولایت‌فقیه که تجسم ارزش‌های دینی است، بیشترین تناسب را با جامعه اسلامی دارد.



۴. پیشینه ولایت فقیه



ولایت فقیه در آیه‌های قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام ریشه دارد و در کتاب‌های فقهی شیعه نیز از آغاز غیبت کبرا و حتی پیش از آن، به‌طور جدی مطرح بوده است. براساس تصریح برخی از فقهای بزرگ شیعه، فقیهان بر اصل ولایت فقیه اتفاق نظر دارند. برخی از سخنان عالمان برجسته شیعه در این باره به شرح زیر است:

مرحوم علامه نراقی می‌نویسد: «ولایت فقیه فی الجمله بین شیعیان، اجماعی است و هیچ‌یک از فقها فی الجمله در ولایت فقیه اشکال نکرده است.»^۱ ابن‌ادریس حلی از فقهای قرن ششم هجری می‌نویسد: «ائمہ همه اختیارهای خود را به فقهای شیعه واگذار کرده‌اند.»^۲ صاحب جواهر می‌فرماید: «کسی که در ولایت فقیه وسوسه کند، طعم فقه را نچشیده است و

۱. نراقی، احمد، عوائد الایام، ص ۱۸۶.

۲. ابن‌ادریس، سرائر، ج ۲، ص ۲۵.



معنا و رمز کلمه‌های معصومان علیهم‌السلام را نفهمیده است.»^۱

امام خمینی ره نیز در این زمینه می‌فرماید: «موضوع ولایت فقیه، چیز تازه‌ای نیست که ما آورده باشیم؛ بلکه این مسئله از اول جای بحث داشته است. حکم میرزای شیرازی در حرمت تنباکو، چون حکم حکومتی بود... همه علما تبعیت کردند... مرحوم کاشف‌الغطاء بسیاری از این مطالب را فرموده‌اند... مرحوم نراقی همه شئون رسول‌الله را برای فقها ثابت می‌دانند. آقای نائینی نیز می‌فرمایند: این مطلب از مقبوله عمر بن حنظله استفاده می‌شود... این مسئله تازگی ندارد.»^۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه فرموده است: «ولایت فقیه و رهبری جامعه و اداره کردن شئون اجتماعی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثناعشری است و ریشه

۱. جواهرالکلام، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. امام خمینی ره، ولایت فقیه، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.



در اصل امامت دارد؛ پس اگر کسی از راه دلیل خلاف آن را معتقد شود، معذور است؛ ولی در عین حال برای او جایز نیست که تفرقه و اختلاف ایجاد کند.^۱

برخی از دیگر فقیهان برجسته و نامداری که به این مسئله پرداخته‌اند عبارت‌اند از: شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، محقق کرکی، محقق حلی، مقدس اردبیلی، حسینی عاملی، میرفتاح مراغی، شیخ انصاری، حاج آقا رضا همدانی، سید بحر العلوم، آیت‌الله بروجردی و...^۲ نتیجه آنکه مسئله ولایت فقیه عمری به‌درازای اصل اسلام و فقه شیعه دارد و فقها بر آن اجماع دارند. در این زمینه اگر اختلافی هست، ناظر به چگونگی اثبات و گستره اختیارات فقیه است.

۱. اجوبة الاستفتاءات، الجزء الاول، دارالوسیله، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸.

۲. برای اطلاع بیشتر در این زمینه، نک: محسن اراکی، نظریة الحکم فی الاسلام، ص ۱۳۹ تا ۲۳۰.

۵. معنای ولایت مطلقه



ولایت مطلقه فقیه یعنی فقیه همهٔ اختیاراتی لازم را در امور حکومتی که پیامبر ﷺ و امام معصوم علیّه السلام داشته‌اند، دارا باشد؛ جز آنچه به دلیل خاص از مختصات معصومان علیهم السلام شمرده شده، مانند اختیاراتی که پیامبر ﷺ در حوزهٔ مسائل خصوصی افراد داشته‌اند. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید: «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم ﷺ بیشتر از حضرت امیر علیّه السلام بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر علیّه السلام بیش از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول اکرم ﷺ بیش از همهٔ عالم و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر علیّه السلام از همه بیشتر است؛ لیکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول ﷺ و دیگر ائمه علیهم السلام در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است؛ منتها شخص معینی نیست، روی عنوان



«عالم عادل» است.^۱

در نگاهی تفصیلی‌تر، از این سخن دو نکته مدنظر است:

۱. حوزه اختیارات فقیه محدود و مقید به عرصه خاصی، مانند امر قضاوت و امور حسبه نیست؛ بلکه شامل همه امور اجتماعی می‌شود و درواقع رهبری و مدیریت کلان سیاسی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. در این معنا، ولایت مطلقه همان معنایی را دارد که امروزه از ولایت فقیه فهمیده می‌شود و افزوده‌شدن کلمه مطلقه، نقش تأکیدی دارد.
۲. اختیارات ولی‌امر در زمامداری منحصر به اجرای احکام اولی شرعی نیست. به عبارت دیگر وظیفه او، رهبری جامعه است به گونه‌ای که مصالح جامعه در پرتو هدایت‌های الهی به خوبی تأمین شود و نیازمندی‌های متنوع و تغییرپذیر جامعه، در موقعیت‌های مختلف

۱. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ج ۷، ۱۳۷۷، ص ۴۰.



برآورده شود و جامعه از رشد و تعالی بازماند.

ازاین‌رو، اگر در وضعیتی ویژه، اجرای یکی از مصالح و نیازمندی‌های جامعه با یکی از احکام اولیه در تزامم قرار گرفت، یعنی اجرای یکی مانع دیگری شود و نتوان هر دو را رعایت کرد، ولی فقیه باید بین آن دو مقایسه کند. پس اگر مسئله‌ای که با حکم اولی در تزامم قرار گرفته، دارای مصلحتی برتر برای جامعه باشد، او اختیار دارد که آن حکم اولیه را به‌طورموقت تعطیل کند و مصلحت برتر جامعه را مقدم بدارد.

برای مثال، در فقه اسلامی، تخریب مسجد حرام است. اکنون اگر به تخریب مسجدی برای خیابان‌کشی حاجت افتاد، چه باید کرد؟ براساس ولایت مطلقه، اگر با بررسی‌های کارشناسانه و با توجه به مبانی دینی تشخیص داده شد که مصلحت و فایده چنان خیابانی برای جامعه مهم‌تر از مصلحت تخریب‌نکردن مسجد است و راه دیگری نیز برای تأمین آن نیز وجود ندارد، ولی امر مجاز است با رعایت اهم و مهم، حکم تخریب مسجد را صادر و البته



به جای آن مسجد دیگری بنا کند.

از آنچه گذشت، روشن می شود که ولایت مطلقه فقیه رفع کننده گره های کور در مقام اجراست و نشانه راهگشایی اسلام در مواجهه با نیازها و اقتضاهای زمان و اجرای قاعده اهم و مهم است.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نک: عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۲۴۹ تا ۲۶۵.



۶. اختیاراتی ولی فقیه



چنان که در بحث از معنای ولایت مطلقه گذشت، از نظر فقهی، ولی فقیه همهٔ اختیارات لازم حکومتی را دارد. اصل ۱۱۹ قانون اساسی نیز وظایف و اختیارات رهبر را این گونه تعیین کرده است:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛
۳. فرمان همه‌پرسی؛
۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛
۵. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها؛
۶. نصب و عزل و قبول استعفا؛
- الف. فقهای شورای نگهبان. ب. عالی‌ترین مقام قوه قضائیه. ج. رئیس سازمان صداوسیما؛
- د. رئیس ستاد مشترک. ه. فرمانده کل سپاه پاسداران
- انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛
۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛
۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی حل‌شدنی نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم؛ (صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از نظر دارا بودن شروطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از



انتخاب به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد؛^{۱۰} عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به بی‌کفایت وی براساس اصل ۸۹؛^{۱۱} عفو یا تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه. رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

البته باید توجه داشت که اختیارات و وظایف ذکر شده در این اصل، جنبه تمثیلی دارد، نه حصری؛ زیرا چنان که گذشت، از نظر فقهی گستره اختیارات فقیه در همه امور حکومتی است و در برخی دیگر از اصول قانون اساسی نیز وظایف دیگری برای رهبر بر شمرده‌اند؛ مانند تعیین و پیشنهاد اصول اصلاح یا متمیم قانون اساسی به شورای بازنگری قانون اساسی،^۱ انتخاب ده نفر برای عضویت در



شورای بازنگری^۱ و دو نفر برای عضویت در شورای عالی امنیت ملی^۲ و موافقت با تصدی اختیارهای رئیس جمهور توسط معاون اول، زمانی که به دلایلی کشور فاقد رئیس جمهور شود.^۳

شایان ذکر است که برخی بدون توجه به معنای ولایت مطلقه در فقه اسلامی، گمان کرده‌اند در قانون اساسی، برای ولی فقیه اختیاراتی لحاظ شده که در نظام‌های دموکراتیک و جمهوری برای رئیس حکومت چنین قدرتی در نظر گرفته نشده است. چنین گمانه‌ای هرگز واقعیت ندارد؛ برعکس، ولایت مطلقه در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای شروطی سخت‌تر و قدرتی محدودتر از رئیس حکومت در دیگر نظام‌های سیاسی دنیاست.^۴

۱. همان اصل، بند ۵.

۲. اصل ۱۷۶، بند ۳.

۳. اصل ۱۳۱.

۴. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نک: حمیدرضا شاکرین و علیرضا محمدی، دین و سیاست؛ ولایت فقیه جمهوری اسلامی، ص ۲۶۰ تا ۲۶۳.

۷. آثار و برکتهای ولایت فقیه



ولایت فقیه آثار و برکت‌های ارزشمندی در پی دارد که به اختصار برخی از آن‌ها را مرور خواهیم کرد:

۱.۷. صیانت کشور از آسیب‌ها

چنان که امام خمینی ره فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد.» تجربه چند دهه رهبری ولایت فقیه نیز نشان داده است مهم‌ترین عامل بازدارنده از آسیب‌های بزرگ و گزند دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، ولایت فقیه بوده است.

۲.۷. استیفای حقوق مردم

در بیانات مقام معظم رهبری آمده است که در جامعه و نظام اسلامی باید عدالت، علم،



دین و رحمت حاکم باشد.^۱ ولایت در اسلام، ناشی از ارزش‌هایی همچون عدالت و تقواست که سبب می‌شود کوچک‌ترین ظلمی از سوی حاکم صورت نگیرد و... بیشترین ضمانت برای استیفای حقوق مردم همراه با بهترین شکل نظارت مردمی موجود است.^۲

۳.۷. تحقق آرزوی دیرین

آرزو و حسرت بسیاری از اندیشمندان مسلمان همواره این بوده است که روزی اسلام با اقتدار و تمامیت بر کرسی قدرت تکیه زند. این آرزو در ایران در پرتو روح ولایت تحقق یافته و سبب ترس و نگرانی دشمنان اسلام شده است.^۳

-
۱. مقام معظم رهبری، دیدار با مسئولان نظام در سالروز عید غدیر، ۱۳۶۹.۰۴.۲۰.
 ۲. مقام معظم رهبری، دیدار با مسئولان نظام در سالروز عید غدیر، ۱۳۷۰.۰۴.۱۰.
 ۳. مقام معظم رهبری، دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در عید سعید غدیر، ۱۳۸۸.۰۹.۱۵.



۴.۷. آرامش و امنیت بشر

تحقق ولایت اسلامی تنها برای مؤمنان مفید نیست؛ بلکه سبب آرامش دیگر انسان‌ها نیز می‌شود. در سخنان رهبر معظم انقلاب آمده است که حکومت غیرالهی و نبود حاکمیت اخلاق و خداترسی به تبعیض و ظلم بین انسان‌ها منجر شده و درمقابل، تحقق ولایت الهی آرامش، مساوات، امنیت و عدالت را برای تمام انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. در ولایت اسلامی اگر خلخال از پای زن یهودی بیرون کشیده شود، امیرمؤمنان علیه السلام می‌گویند: «جادارد انسان از غصه بمیرد» و این نشانه اهتمام اسلام به رعایت حقوق انسان ازسوی حکومت اسلامی است.^۱

۱. مقام معظم رهبری، دیدار با کارگزاران نظام اسلامی در عید سعید غدیر، ۱۶.۰۱.۱۳۷۸.



۵.۷. ضمانت خیر و صلاح مردم

از منظر مقام معظم رهبری، تفاوت ولی الهی و سلطان این است که حکومتِ ولی بر مبنای اقتدار و قدرت بر تصرف نیست که جایز به انجام دادن هر کاری باشد؛ بلکه ولایت الهی شروط و وظایف سنگینی بر دوش حاکم می‌نهد که به موجب آن، حکومت ولایی، مردمی‌ترین شکل حکومت است. پارسایی حاکمان الهی و حکومت ارزش‌های دینی سبب می‌شود حکومت ولایی ضامن خیر و صلاح انسان‌ها باشد و حقوق مردم محفوظ بماند. این ضمانت در هیچ‌یک از نظام‌های دموکراسی جهان دیده نمی‌شود.^۱

۱. مقام معظم رهبری، دیدار با کارگزاران نظام اسلامی در عید سعید غدیر، ۱۳۷۰.۰۴.۱۰.



نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت به‌خوبی روشن می‌شود که ولایت فقیه، هم به‌لحاظ دینی پایگاه محکم و استواری دارد و هم از نظر عقلی بهترین الگوی سیاسی در عصر غیبت برای جامعه اسلامی است. ولایت فقیه، در اصل، حاکمیت دین و ارزش‌های متعالی الهی، حاکمیت مهر و محبت، وحدت و همدلی، تقوی و پرهیزگاری است و بیش از هر نظام سیاسی دیگر تضمین‌کنندهٔ خیر و صلاح انسان‌ها در امور دنیا و آخرت است. ژان ژاک روسو می‌نویسد: «برای کشف بهترین قوانینی که مناسب ملل است، یک عقل کُل لازم است که ناظر به تمام شهوت‌های انسانی باشد؛ ولی خودش هیچ حس نکند [و فاقد گرایش شهوانی باشد]. هیچ‌گونه وابستگی با طبیعت نداشته باشد؛ اما آن را به‌خوبی بشناسد. مصلحت آن بستگی به ما نداشته باشد؛ ولی به بهروزی ما کمک کند. پس فقط خدایان می‌توانند آن‌طور که باید و شاید به مردم



قانون عرضه دارند.»^۱

از امتیازهای بزرگ ولایت فقیه این است که اول، مبتنی بر قانون الهی و مجری آن است؛ دوم، تجلی اخلاق و معنویت و پاکی و درست کاری در جامعه است؛ سوم، پیوند عمیق معنوی با جامعه دارد و بهترین الگوی مردم سالاری است.

برای مطالعه بیشتر

۱. ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، جوادی آملی، عبدالله، قم: اسرا.
۳. ولایت فقیه، معرفت، محمد هادی، قم، التمهید.
۴. نگاهی به مبانی قرآن ولایت فقیه، ذوعلم، علی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۵. حکومت دینی، شاکرین، حمیدرضا، قم: معارف.
۶. دین و سیاست؛ ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران، شاکرین، حمیدرضا و علیرضا محمدی، قم: معارف.

۱. ژان ژاک، روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه منوچهر کیا، چ ۲، تهران: گنجینه، ۱۳۵۲، ص ۴۸.

نسخه دیجیتال رهنا

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.